
زندگی اجتماعی
امام باقر علیه السلام


بسم الله الرحمن الرحیم

زندگی اجتماعی امام باقر (علیه السلام)

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگی اجتماعی امام باقر (علیه السلام)

مشخصات کتاب

سایت حوزه نت

بر گرفته از:

مقدمه

زنـدگی امام، آینه تمام نمای زنـدگی شـرافتمندانه انسانهای موحـد و متعالی است.یکی از بارزترین ویژگیهای امام جامعیت اوست. توجه به علم، او را از اخلاـق و فضایـل روحی غافـل نمی‌سـازد و روی آوری به معنویـات و عبادت و بنـدگی، وی را از پرداختن به زندگی مادی و روابط اجتماعی و اصلاح جامعه باز نمی‌دارد.در حالی که انسانهای معمولی، در بیشتر زمینه‌ها گرفتار افراط و تفریط می‌شوند، اگر به زهد و عبادت بپردازند، به عزلت و گوشه نشینی کشیده می‌شوند و اگر به کار و تلاش رو آورند، از انجام بایسته وظایف عبادی و معنوی، دور می‌مانند!

کار و تلاش در اوج زهد و تقوا

انسانهـای کم ظرفیت و کوته‌انـدیش، گمـان می‌کننـد که لاـزمه زهـد و تقوا، این است که خرقه‌ای پشـمینه بر دوش افکنـده و زاویه خلوتی را انتخاب کننـد و روی از خلق بگرداننـد تا به خـدا نزدیک شوند! اینان گمان می‌کنند که تلاش برای تأمین معاش و کسـب روزی، مخـالف زهـد و توکـل است، و وظیفه انسان فقط ذکر گفتن و پرداختن به نماز و روزه می‌باشـد و روزی از هر جا که باشـد می‌رسـد! ولی برنـامه امامان (علیهم السّـلام)، و از جمله امام باقر (علیه السّـلام) غیر از این بوده است.آنان، در اوج زهـد و تقوا و در نهـایت عبـادت و بنـدگی خـدا، اهـل کار و تلاش بوده‌انـد، و از این که دیگران روزی آنها را تأمین کننـد و خرج زنـدگی ایشان را بپردازند، بشدت بیزار بوده‌اند. محمد بن منکدر یکی از زهاد معروف عصـر امام باقر (علیه السّلام) است که همانند طاووس یمانی و ابراهیم بن ادهم و عـده‌ای دیگر، دارای گرایشـهای صوفیـانه بـوده است.او خود نقـل می‌کنـد: در یکی از روزهـای گرم تابسـتان، از مـدینه به سـمت یکی از نواحی آن، خارج شـدم، ناگاه در آن هوای گرم، محمد بن علی (علیه السّـلام) را ملاقات کردم که با بدنی فربه و با کمک دو نفر از خـدمتکارانش مشـغول کار و رسیدگی به امور زندگی است. با خود گفتم: بزرگی از بزرگان قریش، در چنین ساعت گرم و طاقت فرسا و با چنین وضـعیت جسـمی، به فکر دنیا است! به خـدا سوگند، باید پیش رفته و او را موعظه کنم. به آن حضـرت نزدیک شدم و سـلام کردم. او نفس زنان و عرق ریزان، سـلامم را پاسخ گفت. فرصت را غنیمت شـمرده، به او گفتم: خداوند، کارهایت را سامان دهد! چرا بزرگی چون شـما در چنین شرایطی به فکر دنیا و طلب مال باشد! براستی اگر مرگ در چنین حالتی به سـراغ شـما بیایـد، چه خواهیـد کرد! امام باقر (علیه السّـلام)، دست از دست خدمتکاران برگرفت و ایسـتاد و فرمود: به خدا سوگنـد، اگر در چنین حـالتی مرگ به سـراغم آیـد، بحق در حـالت اطـاعت از خداونـد، به سـراغم آمـده است.این تلاـش من خود اطـاعت از خـداست، زیرا بـا همین کارهـاست که خود را از تو و دیگر مردم بی‌نیـاز می‌سازم (تا دست حاجت و تمنا به کسـی دراز نکنم). من زمـانی از خـدا بیمناک هسـتم که هنگام معصـیت و نافرمانی خـدا، مرگم فرا رسـد! محمـد بن منکـدر می‌گویـد: پس از شنیـدن این سـخنان، به آن حضـرت عرض کردم: خـدای رحمتت کنـد، من می‌خواسـتم شـما را موعظه کنم، امـا شـما مرا راهنمایی کردید. [۱] .

حضور سازنده و مؤثر در جامعه

امام باقر (علیه السّلام) با این که توجه به استغنای نفس و لزوم تلاش برای کسب معاش داشت و عملاً در این راستا گام می‌نهاد، اما هرگز زندگی خود را وقف تأمین معاش نکرده بود، بلکه همت اصلی آن حضرت، حضور سازنده و مؤثر در جامعه بود. این درست است که نباید برای تأمین زندگی، سربار دیگران بود، ولی این نکته را نیز باید در نظر داشت که هدف اصلی و عالی زندگی، دستیابی به رفاه، و ثروت نیست و نباید در طریق تلاشهای دنیوی، از ارزشهای اصیل زندگی غافل بود. امام باقر (علیه السّلام) در روزگار خود، بزرگترین تأثیر علمی و عملی را برای جامعه خویش داشت. حضور در مجامع علمی و تأسیس جلسات فرهنگی، یکی از بهترین و ارزنده‌ترین نوع حضور در جامعه و خدمت به اجتماع مسلمانان بوده و هست، زیرا هرگونه تکامل اجتماعی در ابعاد اخلاقی و معنوی و اقتصادی و...منوط به تکامل فکری و فرهنگی است. برای تبیین نقش حیاتی امام باقر (علیه السّلام) در جامعه اسلامی، یاد همین نکته کافی است که: جمع عالمان بر این عقیده اتفاق دارند که فقیه‌ترین مردم در آغاز سلسله فقیهان شش نفرند و آن شش نفر از اصحاب و شاگردان امام باقر (علیه السّلام) و امام صادق (علیه السّلام) به شمار می‌آیند. [۲] و سخن حسن بن علی الوشاء [۳] که از معاصران امام رضا (علیه السّلام) می‌باشد، خود گواهی روشن بر مدعای ماست که می‌گوید: نهصد شیخ و بزرگ راوی حدیث را در مسجد کوفه مشغول تدریس یافتم که همگی از امام صادق (علیه السّلام) و امام باقر (علیه السّلام) نقل حدیث می‌کردند. [۴] . محققان بر این عقیده‌اند که امام باقر (علیه السّلام) و امام صادق (علیه السّلام) در حقیقت بنیانگذار دانشگاه اهل البیت هستند که حدود شش هزار رساله علمی از فارغ التحصیلان آن به ثبت رسیده است. اصول اربعمائه همان رساله‌های چهار صد گانه‌ای است که در میان محدثان شیعه، به عنوان کتب اصول شناخته می‌شود و از جمله آن شش هزار رساله به شمار می‌آید، و چه بسا بیشتر محتویات کتب چهارگانه شیعه (کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) از همین رساله‌های اربعمائه گرفته شده باشد. [۵] .

مرجعیت و پاسخگویی به پرسشهای مردم

ابو بصیر می‌گوید: امام باقر (علیه السّلام) در مسجد الحرام نشسته بود و گروه زیادی از دوستدارانش برگرد او حلقه زده بودند.در این هنگام طاووس یمانی به همراه گروهی به من نزدیک شد و پرسید: آن مردم در اطراف چه کسی حلقه زده‌اند؟ گفتم: محمد بن علی بن الحسین (باقر العلوم علیه السلام) است که نشسته و مردم دور او گرد آمده‌اند. طاووس یمانی گفت: من نیز به او کار داشتم.آنگاه پیش رفت، سلام کرد و نشست و گفت: آیا اجازه می‌دهید مطالبی را از شما بپرسم؟ امام باقر (علیه السّلام) فرمود: آری بپرس! [۶] طاووس یمانی سؤالهایش را مطرح کرد و امام (علیه السّلام) به او پاسخ بایسته را ارائه داد.ابو حمزه ثمالی نیز می‌گوید: در مسجد رسول خدا نشسته بودم که مردی پیش آمد، سلام کرد و گفت: تو کیستی؟ به او گفتم: مردی از اهل کوفه‌ام.چه می‌خواهی و در جستجوی چه هستی؟ مرد گفت: آیا ابوجعفر، محمد بن علی (علیه السّلام) را می‌شناسی؟ گفتم: بلی، به آن گرامی چه کار و حاجتی داری؟ گفت: چهل مسأله آماده کرده‌ام تا از وی سؤال کنم و آن چه حق بود بپذیرم. ابو حمزه می‌گوید: از آن مرد پرسیدم، آیا تو فرق بین حق و باطل را می‌دانی؟ مرد گفت: آری... در این هنگام امام باقر (علیه السّلام) وارد شد در حالی که گروهی از اهل خراسان و مردم دیگر در اطراف وی بودند و مسایل حج را از آن حضرت می‌پرسیدند. آن مرد نیز نزدیک امام نشست و مطالب خود را با آن حضرت در میان گذاشت و جواب لازم را دریافت داشت. [۷] . این نمونه‌ها و موارد دیگر، به روشنی می‌نمایاند که امام باقر (علیه السّلام) چگونه مورد رجوع مردم بوده و به نیازهای مختلف آنان رسیدگی می‌کرده است.

رسیدگی به محرومان

درباره امام باقر (علیه السّلام) گفته‌اند: هرگز شنیده نشد که نیازمندی نیازش را به آن حضرت اظهار داشته و با پاسخ منفی، مواجه شده باشد. امام باقر (علیه السّلام) همواره توصیه می کرد که وقتی نیازمندان به شما رو می‌آورند و یا شما می‌خواهید آنان را صدا بزنید، بهترین نامها و عناوین را درباره آنان به کارگیرید [۸] و با عناوین و اوصاف زشت و بی ارزش و با بی احترامی با ایشان برخورد نکنید). امام صادق (علیه السّلام) می‌فرماید: پدرم با این که از نظر امکانات مالی، نسبت به سایر خویشاوندان، در سطح پایین تری قرار داشت و مخارج زندگی وی، سنگین تر از بقیه بود، هر جمعه به نیازمندان انفاق می کرد و می‌فرمود: انفاق در روز جمعه، دارای اجری فزونتر است، چنان که روز جمعه، خود بر سایر روزها برتری دارد. [۹] . و نیز این سخن را هم امام صادق (علیه السّلام) فرموده است: در یکی از روزها به حضور پدرم رسیدم در حالی که میان نیازمندان مدینه، هشت هزار دینار، تقسیم کرده و یازده برده را آزاد ساخته بود. [۱۰] .

سخاوت و مروت نسبت به دوستان

عمرو بن دینار و عبدالله بن عبید می گویند: ما هرگز به ملاقات امام باقر (علیه السّلام) نرفتیم، مگر این که به وسیله هدایا و پوشاک و امکانات مالی، از ما استقبال و پذیرایی کرده، می‌فرمود: اینها را از قبل برای شما تدارک دیده بودم. [۱۱] . ظاهراً منظور امام از بیان جمله اخیر این بوده است که دوستان و میهمانانش احساس شرم و نگرانی نکنند و گمان نبرند که با دریافت آن هدایا و امکانات، بر زندگی شخصی امام باقر (علیه السّلام) کم و کاستی را تحمیل کرده‌اند.سلمی یکی از خدمتکاران خانه امام باقر (علیه السّلام) است.او می گوید: برخی از دوستان و آشنایان امام باقر (علیه السّلام) به میهمانی آن حضرت می‌آمدند و از نزد وی بیرون نمی‌شدند، مگر این که بهترین غذاها را تناول کرده و چه بسا گاهی لباس و پول از آن گرامی دریافت می کردند. سلمی می گوید: گاهی من با امام در این باره سخن می گفتم که خرج خانواده شما، خود سنگین است و از نظر در آمد وضع متوسطی دارید (بهتر این است که در پذیرایی از دوستان و مهمانان با احتیاط بیشتری رفتار کنید!) اما امام می‌فرمود: ای سلمی! نیکی دنیا، رسیدگی به برادران و دوستان و آشنایان است، و گاهی حضرت پانصد و تا هزار درهم هدیه می‌داد. [۱۲] . اسود بن کثیر می گوید: تهیدست شدم و دوستانم به من رسیدگی نکردند.نزد امام باقر (علیه السّلام) رفتم و از نیازمندی خود و جفای برادران شکوه کردم، آن حضرت فرمود: بد برادری است آن برادری که به هنگام ثروت و توانمندی، حالت را بپرسد و تو را در نظر داشته باشد، ولی زمانی که تهیدست و نیازمند شدی، از تو ببرد و به سراغت نیاید! سپس امام به خدمتکارش دستور داد تا هفتصد درهم نزد من گذارد، و فرمود: این مقدار را خرج کن و هر گاه تمام شد و نیاز داشتی باز مرا از حال خود با خبر ساز. [۱۳] .

شکیبایی و بردباری در روابط اجتماعی

شرط اصلی حضور سازنده و مفید در جامعه، برخورداری فرد از صبر و شکیبایی است.این ویژگی به عالی ترین شکل آن در زندگی امام باقر (علیه السّلام) مشهود است. برای نمایاندن این ویژگی ارزشمند در زندگی آن حضرت نقل این حدیث کافی است که: مردی غیر مسلمان (نصرانی) در یکی از روزها با امام باقر (علیه السّلام) روبرو شد.آن مرد به دلیلی نامشخص نسبت به آن حضرت، کینه داشت، از این رو دهان به بدگویی گشود و با تغییر اندکی در اسم امام باقر (علیه السّلام) گفت: تو بقر (گاو) هستی! امام بدون این که خشمناک شود و عکس العمل شدیدی نشان دهد، با آرامش خاصی فرمود: من باقرم. مرد نصرانی که از سخن قبل به مقصود نرسیده بود و احساس می کرد نتوانسته است امام را به خشم وادارد، گفت: تو فرزند زنی آشپز هستی! امام فرمود: این

حرفه او بوده است (و ننگ و عاری برای او نخواهد بود) مرد نصرانی، پا فراتر نهاد و با گستاخی هر چه تمامتر گفت: تو فرزند زنی سیاه چرده و زنگی و...هستی! امام (علیه السّلام) فرمود: اگر تو راست می گویی و مادرم آنگونه که تو توصیف می کنی بوده است، پس از خداوند می‌خواهم او را بیامرزد، و اگر ادعاهای تو دروغ و بی اساس است، از خداوند می‌خواهم که تو را بیامرزد! در این لحظه، مرد نصرانی که شاهد حلم و بردباری اعجاب انگیز امام باقر (علیه السّلام) بود و مشاهده کرد که این شخصیت اصیل و پر نفوذ، علیرغم پایگاه عظیم اجتماعی و علمی خود که صدها شاگرد از درس او بهره می گیرند و در میان قریش و بنی هاشم از ارج و منزلت و حمایت برخوردار است، به جای عکس العمل منفی و مقابله به مثل در برابر بد زبانیهای او، چون کوه صبر و شکیبایی، آرام و مطمئن ایستاده و با او سخن می گوید، ناگهان در دادگاه وجدان خویش، خود را محکوم و شکست خورده یافت، و بی تأمل از گفته‌های خود معذرت خواهی کرد و اسلام آورد. [۱۴] . ارزش و اهمیت اینگونه شکیبایی و بردباری، چه بسا برای بسیاری از انسانها، نامفهوم باشد، ولی کسانی چون خواجه نصیر الدین طوسی که از یک سو افضل عالمان عصر خویش در علوم عقلی و نقلی شناخته شده، و از سوی دیگر منصب وزارت را در دستگاه حکومت به وی واگذار کرده‌اند، در اوج موقعیت علمی و اجتماعی، به امام خویش اقتدا کرده و در مقابل بدگویان به صبری شگفت نایل می‌شود. شخصی به او خطاب می کند: ای سگ، و ای سگ زاده! اما او در پاسخ می گوید، این سخن تو درست نیست، زیرا سگ بر چهار دست و پا راه می‌رود و من چنین نیستم، سگ چنگال دارد، شعور ندارد، نمی‌اندیشد، ولی من چنین نیستم و... [۱۵] . براستی چنین شکیبایی و تحملی را جز در پیروان مکتب اهل بیت نمی‌توان پیدا کرد.

صمیمیت و محبت با دوستان

یکی از دوستان امام باقر (علیه السّلام) به نام ابی عبیده می گوید: در سفر، رفیق و همراه، امام باقر (علیه السّلام) بودم.در طول سفر همیشه نخست من سوار بر مرکب می‌شدم و سپس آن حضرت بر مرکب خویش سوار می‌شد. (و این نهایت احترام و رعایت حرمت بود). زمانی که بر مرکب می‌نشستیم و در کنار یکدیگر قرار می گرفتیم، آن چنان با من گرم می گرفت و از حالم جویا می‌شد که گویی لحظاتی قبل در کنار هم نبوده‌ایم و دوستی را پس از روزگار دوری جسته است. به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! شما در معاشرت و لطف و محبت به همراهان و رفیقان به گونه‌ای رفتار می کنید که از دیگران سراغ ندارم، و براستی اگر دیگران دست کم در اولین برخورد و مواجهه، چنین برخورد خوشی با دوستانشان داشته باشند، ارزنده و قابل تقدیر خواهد بود. امام باقر (علیه السّلام) فرمود: آیا نمی‌دانی که مصافحه (نهادن دست محبت در دست دوستان و مؤمنان) چه ارزشی دارد؟ مؤمنان هر گاه با یکدیگر مصافحه کنند و دست دوستی بفشارند، گناهانشان همانند برگهای درخت فرو می‌ریزد و در منظر لطف خدایند تا از یکدیگر جدا شوند. [۱۶] .

محبت و عاطفه نسبت به خانواده

محبت و عاطفه نسبت به فرزندان و اعضای خانواده در اوج رعایت ارزشهای دینی و الهی، چیزی است که تنها در مکتب اهل بیت به صحیح ترین شکل آن دیده می‌شود.کسانی که از مکتب اهل بیت (علیه السّلام) دور مانده‌اند، چه آنان که اصولاً پایبند به دین نیستند و چه آنان که دین را از طریق غیر اهل بیت دریافت کرده‌اند، در ایجاد تعادل میان عواطف و ارزشها گرفتار افراط و تفریط شده‌اند. گروهی آنچنان دلبسته به فرزند و زندگی هستند که همه قوانین و ارزشهای دینی و اجتماعی را فدای آن می کنند، و دسته‌ای آنچنان گرفتار جمود و جهالت شده‌اند که گمان کرده‌اند، توحید و محبت به خدا مستلزم بی‌عاطفگی و بی مهری نسبت به غیر خداست.این گروه دوستی و محبت زن و فرزند را عار می‌دانند و در مرگ عزیزانشان، حتی از قطره‌ای اشک دریغ دارند، ولی

در مکتب امـام باقر (علیه السّـلام) خبری از این افراط و تفریطها نیست. گروهی نزد امام باقر (علیه السّـلام) شـرفیاب شدنـد و به خانه آن حضـرت وارد گشتند.اتفاقاً یکی از فرزندان خردسال امام باقر (علیه السّلام) مریض بود و آنان آثار غم و اندوه فراوانی را در آن حضـرت مشاهده کردند.امام باقر از مریضی فرزند به گونه‌ای نگران و ناراحت بود که آرامش نداشت.آن گروه با مشاهده این وضع بـا خود گفتنـد که اگر این کودک طوری بشود (بمیرد) ممکن است امـام باقر (علیه السّـلام) چنان ناراحت و غمگین شود و از خود عکس العملهایی نشان دهد که ما از ایشان انتظار نداشـته باشیم.در همین اندیشه بودند که ناگهان صدای شیون شنیده شد و دانستند که کودک جـان سپرده و اطرافیـان بر او می گرینـد، امـا همچنـان از وضع امام باقر (علیه السّـلام) بی خبر بودنـد که ایشان با صورتی گشاده بر آنان وارد شـد، بر خلاف آنچه قبلًا از آن حضـرت مشاهـده کرده بودنـد. میهمانان گفتنـد: وقتی که ما وارد شدیم و حال مضـطرب شـما را دیـدیم، ما نیز نگران وضع و حال شـما شدیم! امام (علیه السّـلام) فرمود: ما دوست داریم که عزیزانمان سالم و بی رنج و درد باشند، ولی زمانی که امر الهی سر رسید و تقدیر خداوندی محقق شد، خواست خداوند را می‌پذیریم و در برابر مشیت او تسلیم و راضی هستیم. [۱۷] . این بیان، می‌نمایاند که برخورداری از روحیه رضا و تسـلیم به معنای کنار نهادن عواطف و احساسهای طبیعی نیست، بلکه عواطف در جای خود بایـد ابراز شود و در اوج ابراز عواطف انسانی، روحیه رضا و تسـلیم در برابر حکم الهی را نیز باید حفظ کرد.

احترام به حقوق اجتماعی مؤمنان

زراره گویـد: امام باقر (علیه السّـلام) برای تشییع جنازه مردی از قریش، حضور یافت و من هم با ایشان بودم.در میان جمعیت تشییع کننـده عطاء نیز حضور داشت. در این میان، زنی از مصـیبت دیدگان فریاد و ناله بر آورد. عطاء به زن مصـیبت زده گفت: یا ساکت می‌شوی، یـا من بـازخواهم گشت! و در این تشـییع، شـرکت نخواهم جست. امـا، آن زن سـاکت نشـد و به زاری و افغان ادامه داد.و عطاء هم بازگشت و تشییع را ناتمام گذاشت. من برای امام باقر (علیه السّلام) قضیه عطاء را باز گفتم (و در انتظار عکس العمل امام بودم).امام فرمود: به راه ادامه دهیم و جنازه را همچنان تشـییع کنیم، زیرا اگر بنا باشـد که به خاطر مشاهده یک عمل اشـتباه و سـر و صـدای بیجـای یـک زن، حقی را کنـار بگـذاریم (و به وظیفه اجتمـاعی خود نسـبت به مؤمنی عمـل نکنیم) حق مسلمانی را نادیـده گرفته‌ایم. زراره گوید: پس از تشییع، جنازه را بر زمین نهادند و بر آن نماز خواندیم و مراسم تدفین ادامه یافت.در این میان، صاحب عزا پیش آمد، از امام باقر (علیه السّـلام) سپاسـگزاری کرد و به ایشان عرض کرد: شـما توان راه رفتن زیاد را ندارید، به همین اندازه که لطـف کرده و در تشـییع جنـازه شـرکت کرده‌ایـد، متشـکریم و اکنـون بازگردیـد! زراره می گویـد: من به امـام گفتم: اکنـون که صاحب عزا به شـما رخصت بازگشت داده، بهتر است بازگردید، زیرا من سؤالی دارم که می‌خواهم از محضـرتان اسـتفاده کنم. امام فرمود: به کار خود ادامه بده، ما با اجازه صاحب عزا نیامده‌ایم تا با اجازه او بازگردیم.تشـییع جنازه یک مؤمن، فضل و پاداشـی دارد که ما به خاطر آن آمده‌ایم.به هر مقدار که انسان به تشییع ادامه دهد و به مؤمن حرمت نهد، از خداوند پاداش می گیرد. [۱۸] در این حدیث، درسـهای چندی نهفته است که از آن جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد: الف: لزوم وا ننهادن وظیفه و ترک نکردن حق به خـاطر مشاهـده باطـل از دیگران. ب: لزوم اهتمام به حقوق اجتماعی مؤمنان و ضـرورت اجتناب از تنگ نظری. ج: حرمت مؤمن، حتی پس از مردن. د: ضرورت انجام همه وظایف حتی وظایف اجتماعی، برای خدا و نه صرفاً رضای خلق.

اهتمام به حقوق مالی مردم

ابو ثمـامه گویـد: حضور امـام باقر (علیه السّـلام) رسـیدم و عرض کردم: فـدایت شوم! من مردی هسـتم که می‌خواهم در مکه اقامت گزینم، ولی یکی از پیروان مذهب مرجئه [۱۹] از من طلبکار است و من به او مدیون می‌باشم.نظر شما چیست؟ (آیا بهتر است که به

وطنم بازگردم و بدهکاریم را به آن مرد بپردازم، یا با توجه به این که مذهب آن مرد مذهب باطلی است، می‌توانم پرداخت بدهی خود را به تأخیر انداخته، همچنان در مکه بمانم؟) امام فرمود: به سوی طلبکار باز گرد و قرضت را ادا کن و مصمم باش به گونه‌ای زندگی کنی که هنگام مرگ و ملاقات خداوند، طلبی از ناحیه دیگر بر عهده تو نباشد، زیرا مؤمن هرگز خیانت نمی‌کند. [۲۰] .

رعایت حقوق و نیازهای روحی همسران

زاهد نمایان و تنگ نظرانی که عبادت و تقوا را در انزوا و کسالت و جمود می‌بینند و با ترک شؤون زندگی و رفتارهای اجتماعی در صدد راهیابی به مقامات معنوی هستند! واقعیات حیات را نادیده گرفته و به جای پیروی از تمامیت وحی، تشخیصهای نادرستشان را، ملاک حق می‌شمرند، تشکیل زندگی خانوادگی را مانع وصول به حق پنداشته و رعایت حقوق و نیازهای طبیعی و واقعی همسران را در خور دنیا گرایان می‌دانند! و در جهت ضدیت با فطرت و طبیعت و نظام هستی بر می‌خیزند، اما در مکتب اهل بیت (علیه السّلام) و در زندگی امام باقر (علیه السّلام) اثری از این گونه حرکتها نیست، بلکه هر حقیقتی در جای خود مورد توجه قرار گرفته است.از آن جمله نیازهای روحی همسران است که معمولاً ـ در نگاه انسانهای سطحی مورد غفلت و بی مهری قرار می گیرد، ولی در زندگی امامان (علیهم السّلام) به عنوان یک واقعیت مورد توجه بوده است. گروهی از مردم به حضور امام باقر (علیه السّلام) رسیدند، در حالی که امام خضاب [۲۱] کرده بود. تازه واردان، از علت خضاب کردن آن حضرت، جویا شدند. امام (علیه السّلام) فرمود: چون زنان از آراستگی شوهر خویش شادمان می‌شوند، من برای همسرانم خضاب کرده و خود را آراسته‌ام. [۲۲] .

عدم تحمیل ایده‌های خویش بر همسران

ایده‌های انسان بر دو گونه‌اند: ۱ ـ ایده‌های اصولی و غیر قابل چشم پوشی، مانند پایبندی به اصول دین و واجبات و محرمات شرعی و نیز رعایت اصول اخلاق انسانی و... که انسان نسبت به چنین ایده‌هایی نمی‌توانند بی تفاوت باشد، چه در مورد همسر و چه دیگران. امر به معروف و نهی از منکر شامل چنین زمینه‌هایی است و همه مردم در قلمرو مکتب وظیفه دارند که در مرحله نخست، اعضای خانواده خویش را به این ارزشها دعوت کرده و از ضد ارزشها بازدارند و در مرحله بعد همه افراد جامعه را امر به معروف و نهی از منکر نمایند. ۲ ـ ایده‌های فردی در مورد مسایل مختلفی که فراتر از حد وظایف ضروری است، مانند رعایت مستحبات و ترک مکروهات، و یا چشم پوشی از مباحات به منظور هدف و آرمانی خاص و ارزشمند. اهل تقوا و زهد، علاوه بر انجام وظایف واجب و ضروری، بسیاری از لذتهای دنیوی را ترک می‌کنند و حتی از تجملهای مجاز و مباح نیز اجتناب می‌ورزند. گاه موقعیت اجتماعی و سنی یک فرد، مستلزم رعایت مسایلی است که رعایت آنها بر دیگران و حتی همسران وی لازم نیست.در چنین مواردی، معمول انسانها سعی می‌کنند تا ایده‌های خود و شیوه زندگی خویش را بر دیگران و همسر و فرزندشان تحمیل کنند و شرایط و روحیات ایشان را در نظر نگیرند. در زندگی امام باقر (علیه السّلام) نه تنها چنین نقطه ضعفهایی دیده نمی‌شود، بلکه خلاف آن قابل مشاهده است. حسن زیات بصری می‌گوید: من به همراه یکی از دوستانم به منزل امام باقر (علیه السّلام) رفته، بر او وارد شدیم. بر خلاف تصور خویش، آن حضرت را در اتاقی مفروش، آراسته و زینت شده یافتیم و بر دوش وی پارچه‌ای به رنگ گلهای سرخ مشاهده کردیم.محاسن را قدری کوتاه کرده و بر چشمان سرمه کشیده بود. (باید توجه داشت که در آن عصر و محیط سرمه کشیدن مردان رایج بوده است). ما مسایل خود را با آن حضرت در میان گذاشتیم و سؤالهایمان را پرسیدیم و از جا برخاستیم.هنگام خارج شدن از منزل، امام به من فرمود: همراه با دوستت، فردا هم نزد من بیایید. گفتم بسیار خوب، خواهیم آمد. چون فردا شد، با همان دوستم به خانه امام رفتیم، ولی این بار به اتاقی وارد شدیم که در آن، جز یک حصیر، هیچ امکاناتی نبود و امام پیراهنی خشن بر تن داشت. در این هنگام امام به رفیق من رو کرد و فرمود: ای برادر بصری! اتاقی که دیشب مشاهده کردی و در آنجا نزد من

آمدی از همسرم بود که تازه با او ازدواج کرده‌ام و در واقع آن اتاق، اتاق او بود و لوازم آن نیز، لوازم و امکاناتی است که او آورده است. او خودش را برای من آراسته بود و من نیز می‌بایست عکس العمل مناسبی داشته باشم و خودم را برای او بیارایم و بی‌تفاوت نباشم.امیدوارم از آنچه دیشب مشاهده کردی، به قلبت گمان بد راه نداده باشی. رفیق من در پاسخ امام گفت: به خدا قسم، بدگمان شده بودم، ولی اکنون خداوند آن بد گمانی را از قلبم زدود و حقیقت را دریافتم. [۲۳] . آنچه از این حدیث استفاده می‌شود، این است که امام از همسرش انتظار ندارد که چون او بر حصیر بنشیند و لباس خشن بر تن کند. امام با این که در قلمرو اعمال فردی خود، از تجمل پرهیز دارد، ولی در زندگی خانوادگی و حتی اجتماعی، عواطف و نیازهای روحی همسر و نیز شرایط و مقتضیات زمان را در نظر دارد و تجمل حلال را ممنوع نمی‌شمارد و در مواردی لازم‌هم می‌داند. حکم بن عتیبه می گوید: بر امام باقر (علیه السّلام) وارد شدم در حالی که اتاقش آراسته و لباسش رنگین بود، من همچنان به اتاق و لباس آن حضرت خیره شده بودم و نگاه می کردم.امام که آثار شگفتی را در من مشاهده کرده بود، فرمود: ای حکم نظرت درباره آنچه می‌بینی چیست؟ عرض کردم: درباره عمل شما چگونه می‌توانم داوری کنم (شما امام هستید و جز کار بایسته انجام نمی‌دهید)، ولی در محیط ما، جوانان کم سن و سال چنین می‌پوشند، نه بزرگسالان! امام فرمود: ای حکم، چه کسی زینتهای الهی و خدادادی را ممنوع ساخته است! (پوشیدن این لباس زیبا و شیک، حرمت شرعی ندارد) ولی خوب است بدانی که این اتاق، از آن همسر من است و تازه با او ازدواج کرده‌ام و تو می‌دانی که اتاق ویژه خود من چگونه اتاقی است. [۲۴] .

رعایت جمال و زیبایی شرافتمندانه

ائمه (علیه السّلام) به تناسب شرایط زمانی و مسؤولیتهای اجتماعی خود، زندگی می کرده‌اند. در حالات علی (علیه السّلام) دیده شده است که آن حضرت در دوران حکومت و فرمانروایی خویش، کفشهایش را خود وصله می‌زد و از ساده‌ترین و کم بهاترین جامه‌ها استفاده می کرد، ولی آن حضرت شیوه زندگی خود را برای همگان تجویز نمی‌نمود و می‌فرمود: من چون حاکم جامعه هستم، وظیفه خاصی دارم و باید در حد پایین‌ترین طبقات جامعه زندگی کنم تا آنان با مشاهده وضع من، در خود احساس آرامش و رضایت کنند. اما سایر امامان (علیهم السّلام)، از آنجا که مسؤولیت حکومت را بر عهده نداشته‌اند و در شرایط اجتماعی ویژه‌ای زندگی می کرده‌اند، که چه بسا استفاده از لباسهای کم بها و وصله‌دار موجب تضعیف موقعیت اجتماعی آنان و توهین به شیعه می‌شد، و بازتاب منفی داشته است، بر اساس وظیفه، آداب صحیح اجتماعی را رعایت کرده، به جمال و زیبایی شرافتمندانه در جامعه اهتمام می‌ورزیده‌اند. امام باقر (علیه السّلام) حتی در مورد چگونگی اصلاح محاسن خویش به مرد پیرایشگر رهنمود می‌دهد. [۲۵] و در انتخاب لباس برای خویش، عزت و شرافت و زیبایی شایسته را در نظر دارد! چنان که گاه لباس فاخر و تهیه شده از خز می‌پوشد. [۲۶] و برای لباس رنگهای جذاب و پر نشاط انتخاب می کند. [۲۷] . امام باقر (علیه السّلام) از این که در اندام او آثار رخوت و کسالت و پژمردگی ظاهر باشد، متنفر بود. حکم بن عتیبه می گوید: امام باقر (علیه السّلام) را دیدم که حنا بر ناخنها نهاده است. امام به من فرمود: نظرت درباره این کار چیست؟ عرض کردم: درباره کار شما چه می‌توانم بگویم (شما خود آگاهتر هستید و جز کار بایسته انجام نمی‌دهید)، ولی در آداب و رسوم اجتماعی ما، جوانان ناخنهایشان را با حنا می‌آرایند! امام فرمود: ای حکم! وقتی که انسان تنظیف می کند و با دارو، موهای زاید بدن را می‌زداید، دارو بر ناخنها اثر گذاشته و رنگ آن را شبیه ناخن مردگان می‌سازد.رنگ آن را با حنا می‌توان تغییر داد. [۲۸] این احادیث در مجموع می‌رساند که امام باقر (علیه السّلام) به چگونگی وضع لباس و زیبایی خویش در جامعه توجه داشته، بی قیدی و بد منظری و بی‌مبالاتی را نمی‌پسندیده است.

پاورقی

[۱] رأیت الباقر (علیه السّلام) و هو متکیء علی غلامین اسودین.فسلمت علیه فرد علی علی بهر و قد تصبب عرقا فقلت: اصلحک الله لوجاءک الموت و انت علی هذه الحال فی طلب الدنیا، فخلی الغلامین من یده و تساند و قال: لو جاءنی و انا فی طاعهٔ من طاعات الله اکف بها نفسی عنک و عن الناس، و انما کنت اخاف الله لو جاءنی و انا علی معصیهٔ من معاصی الله، فقلت: رحمک الله اردت ان اعظک فوعظتنی.ارشاد مفید ۲ / ۱۵۹، مناقب ۴ / ۲۰۱، کشف الغمهٔ ۲ / ۳۳۰، الفصول المهمهٔ ۲۱۳، بحار ۴۶ / ۲۸۷.

[۲] المناقب ۲ / ۲۹۵، ائمتنا ۱ / ۳۵۱.

[۳] حسن بن علی الوشا از شخصیتهای برجسته امامیه و از اصحاب امام رضا (علیه السّلام) می‌باشد که نجاشی درباره او گفته است «کان من وجوه هذه الطائفهٔ» و «کان عینا من عیون هذه الطائفهٔ».اعیان الشیعهٔ ۵ / ۱۹۵.

[۴] اعیان الشیعهٔ ۵ / ۱۹۴.

[۵] سیرهٔ الائمهٔ الاثنی عشر ۲ / ۲۰۲.

[۶] کان ابوجعفر الباقر (علیه السّلام) جالساً فی الحرم و حوله عصابهٔ من اولیائه، إذ اقبل طاووس الیمانی فی جماعهٔ، فقال: من صاحب الحلقهٔ؟ قیل: محمد بن علی...قال: ایاه اردت، فوقف علیه و سلم و جلس ثم قال: اتأذن لی فی السؤال؟ فقال الباقر (علیه السّلام) قد اذناک فسلم قال:...بحار ۴۶ / ۳۵۵.

[۷] عن ابی حمزهٔ الثمالی قال: کنت جالساً فی مسجد رسول الله (ص) اذ اقبل رجل فسلم فقال من انت یا عبد الله...بحار ۴۶ / ۳۵۷.

[۸] کان علیه السلام لا یسمع من داره یا سائل بورک فیک، و یا سائل خذ هذا، و کان علیه السلام یقول: سموهم باحسن اسمائهم.احقاق الحق ۱۲ / ۱۸۹.

[۹] عن ابی عبدالله (علیه السّلام): کان ابی اقل اهل بیته مالاً و اعظمهم مؤونهٔ و کان یتصدق کل جمعهٔ بدینار و کان یقول الصدقهٔ یوم الجمعهٔ تضاعف کفضل یوم الجمعهٔ علی غیره من الایام.بحار ۴۶ / ۲۹۵، الانوار البهیهٔ ۱۲۲، اعیان الشیعهٔ ۱ / ۶۵۳. [

[۱۰] روی عن ابی عبدالله (علیه السّلام) قال: دخلت علی ابی یوما و هو یتصدق علی فقراء اهل المدینهٔ بثمانیهٔ آلاف دینار، و اعتق اهل بیت بلغوا احد عشر مملوکا...بحار ۴۶ / ۳۰۲.

[۱۱] قال عمرو بن دینار و عبدالله بن عبید بن عمیر، مالقینا اباجعفر محمد بن علی (علیه السّلام) الا و حمل الینا النفقهٔ و الصلهٔ و الکسوهٔ، و یقول: هذه معدهٔ لکم قبل ان تلقونی.بحار ۴۶ / ۲۸۷، کشف الغمهٔ ۲ / ۳۳۴.

[۱۲] قالت سلمی ـ مولاهٔ ابی جعفر (علیه السّلام) ـ کان یدخل علیه اصحابه، فلا یخرجون من عنده حتی یطعمهم الطعام الطیب، و یکسوهم الثیاب الحسنهٔ، و یهب لهم الدنانیر، فاقول له فی ذلک لیقل منه فیقول: یا سلمی ما حسنهٔ الدنیا الا صلهٔ الاخوان و المعارف و کان یصل بالخمسمأهٔ...الفصول المهمهٔ.۱۹۷.

[۱۳] و قال الاسود بن کثیر: شکوت الی ابی جعفر (علیه السّلام) الحاجهٔ و جفاء الاخوان فقال: بئس الأخ أخ یرعاک غنیا و یقطعک فقیراً ثم امر غلامه فاخرج کیسا فیه سبعمأهٔ درهم فقال: استنفق هذا فاذا فرغت فأعلمنی.ارشاد ۲ / ۱۴۶، روضهٔ الواعظین ۱ / ۲۰۴، کشف الغمهٔ ۲ / ۳۲۱، الفصول المهمهٔ ۲۱۵، نور الابصار ۵۰، الانوار البهیهٔ.۱۲۲.

[۱۴] قال له نصرانی: انت بقر؟ قال: انا باقر، قال: انت ابن الطباخهٔ؟ قال: ذاک حرفتها، قال: انت ابن السود الزنجیهٔ البذیهٔ، قال: ان کنت صدقت غفر الله لها، و ان کنت کذبت غفر الله لک، قال: فاسلم النصرانی.مناقب ابن شهر آشوب ۴ / ۲۰۷، بحار ۴۶ / ۲۸۹، نور الابصار، مازندرانی ۵۱، اعیان الشیعهٔ ۱ / ۶۵۳.

[۱۵] ر ک: الانوار البهیهٔ.۱۲۳.

[۱۶] عن ابی عبیدهٔ قال: کنت زمیل ابی جعفر (علیه السّلام) و کنت ابدا بالرکوب ثم یرکب هو، فاذا استوینا سلم و ساءل مساءلهٔ رجل لا عهد له بصاحبه و صافح، قال: و کان اذا نزل نزل قبلی فاذا استویت انا و هو علی الأرض سلم و ساءل مساءلهٔ من لا عهد له

بصاحبه، فقلت: یا ابن رسول الله انک لتفعل شیئا ما یفعله من قبلنا، و ان فعل مرة لکثیر، فقال: اما علمت ما فی المصافحة، ان المؤمنین یلتقیان فیصافح احدهما صاحبه فما تزال الذنوب تتحات عنهما کما یتحات الورق عن الشجر و الله ینظر الیهما حتی یفترقان.

[۱۷] کان قوم اتوا ابا جعفر (علیه السّلام) فوافقوا صبیا له مریضا، فرأوا منه اهتماما و غما و جعل لا یقر، قال فقالوا: و الله لئن اصابه شیء إنا لنتخوف ان نری منه ما نکره، قال: فما لبثوا ان سمعوا الصیاح علیه فاذا هو قد خرج علیهم منبسط الوجه فی غیر الحال التی کان علیها فقالوا له: جعلنا الله فداک لقد کنا نخاف مما نری منک ان لو وقع ان نری منک ما یغمنا فقال لهم: إنا لنحب ان نعافی فیمن نحب فاذا جاء امر الله سلمنا فیما یحب.عیون الأخبار، ابن قتیبه ۳ / ۶۶، بحار ۱۱ / ۸۶.

[۱۸] حضر ابوجعفر (علیه السّلام) جنازة رجل من قریش و انا معه و کان فیها عطاء فصرخت صارخة فقال عطاء: لتسکتن او لنرجعن قال: فلم تسکت، فرجع عطاء قال: فقلت لأبی جعفر (علیه السّلام) ان عطاء قد رجع قال: و لم؟ قلت صرخت هذه الصارخة فقال لها: لتسکتن او لنرجعن فلم تسکت فرجع فقال: امض بنا فلو انا اذا رأینا شیئا من الباطل مع الحق ترکنا له لم نقض حق مسلم، قال: فلما صلی علی الجنازة قال ولیها لابی جعفر: ارجع مأجورا رحمک الله فانک لا تقوی علی المشی فأبی ان یرجع، قال فقلت له: قد اذن فی الرجوع و لی حاجة ارید ان اسالک عنها فقال: امض فلیس باذنه جئنا و لا باذنه نرجع، انما هو فضل و اجر طلبناه فبقدر ما یتبع الجنازة الرجل یؤجر علی ذلک.بحار ۴۶ / ۳۰۱.

[۱۹] مذهب مرجئه از جمله مذاهب ساختگی و انحرافی است که معتقدان به آن چنان پایبند عمل نیستند و به ادعای ایمان، دلخوش می‌دارند و در روایات معصومین مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند.ر ک: الفرق بین الفرق، مترجم ۱۴۵.

[۲۰] دخلت علی ابی جعفر (علیه السّلام) و قلت له: جعلت فداک انی رجل ارید ان الازم مکة و علی دین للمرجئة، فما تقول؟ قال (علیه السّلام): ارجع الی مؤدی دینک و انظر ان تلقی الله عزوجل و لیس علیک دین، فان المؤمن لا یخون.علل الشرایع ۵۲۸، بحار ۱۰۳ / ۱۴۲.

[۲۱] خضاب، نوعی آراستن موها یا پوست بدن با تغییر دادن رنگ آن به وسیله حنا یا سایر داروهای رنگی است.

[۲۲] عن ابی الحسن (علیه السّلام) قال: دخل قوم علی ابی جعفر (علیه السّلام) فرأوه مختضبا فسألوه فقال: انی رجل احب النساء فأنا اتصبغ لهن.بحار ۴۶ / ۲۹۸.

[۲۳] دخلت علی ابی جعفر (علیه السّلام) انا و صاحب لی فاذا هو فی بیت منجد، و علیه ملحفة وردیة، و قد حف لحیته و اکتحل، فسألنا عن مسائل، فلما قمنا، قال لی: یا حسن! قلت: لبیک قال: إذا کان غدا فأتنی أنت و صاحبک، فقلت: نعم جعلت فداک، فلما کان من الغد دخلت علیه و اذا هو فی بیت لیس فیه الا حصیر و اذا علیه قمیص غلیظ، ثم اقبل علی صاحبی، فقال: یا اخا البصرة! انک دخلت علی امس و انا فی بیت المرأة و کان امس یومها، و البیت بیتها، و المتاع متاعها، فتزینت لی، علی ان اتزین لها کما تزینت لی، فلا یدخل قلبک شیء، فقال له صاحبی: جعلت فداک قد کان و الله دخل فی قلبی، فأما الآن فقد و الله اذهب الله ما کان، و علمت ان الحق فیما قلت.بحار ۴۶ / ۲۹۳.

[۲۴] دخلت علی ابی جعفر (علیه السّلام) و هو فی بیت منجد و علیه قمیص رطب و ملحفة مصبوغة قد أثر الصبغ علی عاتقه، فجعلت انظر الی البیت و انظر فی هیئته فقال لی: یا حکم و ما تقول فی هذا؟ فقلت: ما عسیت ان اقول و أنا أراه علیک، فأما عندنا فانما یفعله الشاب المرهق، فقال: یا حکم من حرم زینة الله التی اخرج لعباده؟ فأما هذا البیت الذی تری فهو بیت المرأة، و انا قریب العهد بالعرس، و بیتی البیت الذی تعرف.الکافی ۶ / ۴۴۶، بحار ۴۶ / ۲۹۲.

[۲۵] عن محمد بن مسلم، قال: رأیت ابا جعفر (علیه السّلام) و الحجام یأخذ من لحیته فقال: دورها.بحار ۴۶ / ۲۹۹.

[۲۶] قال: رأیت علی ابی جعفر محمد بن علی (علیه السّلام) جبة خز و مطرف خز.طبقات ابن سعد ۵ / ۳۲۱، سیر اعلام النبلاء ۴ / ۴۰۷.

[۲۷] عن مالك بن اعين، قال دخلت على ابى جعفر (عليه السّلام) و عليه ملحفة حمراء شديدة الحمرة.بحار ۴۶ / ۲۹۲.

[۲۸] رأيت ابا جعفر (عليه السّلام) و قد اخذ الحناء و جعله على اظافيره فقال: يا حكم! ما تقول فى هذا؟ فقلت: ما عسيت ان اقول فيه و انت تفعله، و ان عندنا يفعله الشبان، فقال: يا حكم ان الأظافير اذا اصابتها النورة غيرتها حتى تشبه اظافير الموتى، فغيرها بالحناء، كافى ۶ / ۵۰۹، بحار ۴۶ / ۲۹۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹